

AFNIOZNIWIA.

طرح بحث

عزت و آزادگی

معرفی عوامل و موانع دستیابی به عزت

عنوان محور: صفات شخصیت ساز، در ارتباط با دیگران



ایده شروع^۱

آزادگی در اسارت

کلیپ پیوستی مربوط به نوجوانی است که در زمان جنگ به اسارت دشمن بعثی درآمد، اما از مصاحبه با خبرنگار بی حجاب خودداری می‌کند. این نوجوان بسیجی حاضر نمی‌شود حتی برای یک گفتگوی کوتاه و مختصر دست از عقیده خود بردارد؛ و این در حالی است که او در دست دشمن اسیر است و ممکن است این نافرمانی او تبعات بدی برای او داشته باشد.

در پایان خبرنگار تلویزیونی مجبور می‌شود برای مصاحبه با این نوجوان، حجابش را رعایت کند و این نوجوان هم به رسم آزادگی در عین اسارت عمل کند و هم عزتش را به رخ جهانیان بکشد.^۲

نمایش این کلیپ و شنیدن نظرات دانش آموزان درباره این رفتار می‌تواند زمینه شروع بحث را برای مربی محترم فراهم آورد.

محتوای بحث

تعریف عزت و آزادگی

واژه «عزت» و مشتقات آن در قرآن به معانی گوناگونی همچون گرامی و ارجمند^۳، باصلا^۴، نیرومند و پرتوان^۵، غالب و پیروز^۶ و نیز سخت و دشوار^۷ آمده است. در مقابل معنای فوق، واژه «ذلت» به حالتی تُهی از ارجمندی، صلا^۸، توانایی، پیروزی و سرسختی گفته می‌شود که عزت و شرافت انسان در آن مراعات نشود. به همین دلیل، انسان ذلیل شکست را به راحتی می‌پذیرد.^۹ «آزادگی» نیز به معنای جوانمردی، نجابت، شرافت و مروت است.^{۱۰}

به طور کلی در منابع دینی، مواردی مانند اطاعت و بندگی خدا، پاکی و پرهیزکاری نفس، تلاش و دوری از حرص و طمع و تبعیت نکردن از هوای نفس، از عوامل ایجاد آزادگی به شمار رفته که در ادامه به توضیح چند نمونه از آن‌ها پرداخته خواهد شد:

اطاعت از خدا

خداوند در آیه ۱۰ سوره فاطر می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛ یعنی هرکس که طالب عزت است، باید آن را از خدا و در بندگی خالصانه او بجوید، چراکه عزت، کاملاً از آن خداست. از این آیه این گونه فهمیده می‌شود که گوش به حرف خدا دادن یا همان اطاعت از خدا، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد عزت در انسان است. پیامبر اکرم ﷺ در این باره

۱. محمد علی شریعت پناهی.

۲. البته این نمونه تنها یکی از هزاران نمونه رفتارهای آزادگان سرافراز انقلاب اسلامی است؛ و مربی محترم می‌تواند از نمونه‌های مشابه دیگری مثل برخی خاطرات سید آزادگان مرحوم ابوترابی در این رابطه استفاده کند.

۳. سوره یوسف، آیه ۸۸.

۴. سوره مائده، آیه ۵۴.

۵. سوره کهف، آیه ۳۴.

۶. سوره ص، آیه ۲۳.

۷. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۸. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، صص ۳۴۴ - ۳۴۵.

۹. فرهنگ دهخدا، ج ۱، ص ۸۳.

می‌فرماید: «به‌راستی پروردگار شما هرروز می‌گوید: من پروردگار شما هستم. من عزیز هستم. پس هرکس عزت و سربلندی دوجهان را می‌خواهد، باید عزیز را اطاعت کند»^۱.

پرهیزکاری

یکی دیگر از عوامل ایجاد عزت در انسان پرهیزکاری و دوری از گناه است. امام رضا علیه السلام درباره اهمیت دوری از معصیت آشکار و پنهان فرمود: «هرکس می‌خواهد از همه مردم عزیزتر باشد، در آشکار و پنهان تقوا داشته باشد»^۲.

تلاش نکردن و نیازمندی به مردم

کاملاً واضح است که ارتباط بین مردم و رفع نیازها به کمک یکدیگر، یکی از اصول غیرقابل انکار در زندگی اجتماعی است. چراکه وقتی شخصی در حضور امام سجاد علیه السلام گفت که: خدایا مرا از مخلوقات بی‌نیاز کن! حضرت به او فرمود: این سخن درستی نیست، چراکه مردم به یکدیگر نیازمندند^۳.

از این رو می‌توان گفت آنچه باعث ذلت انسان می‌شود، اعلام نیاز بیش از حد و به قول معروف گدایی کردن از مردم است. با این نگاه، وقتی امام علی علیه السلام می‌فرماید: «به‌سوی هرکسی که می‌خواهی دست حاجت دراز کن تا اسیر او باشی»^۴، یعنی به این کار عادت کنی و دست از تلاش و کوشش برداری. همچنان که شهید مطهری رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: اگر دلت می‌خواهد آزاد زندگی کنی، کارکن، رنج بکش و چشم از مال فرزندان آدم ببند^۵.

ترک شهوت و خواهش‌های نفسانی

یکی دیگر از عوامل ایجاد عزت در بیان امام علی علیه السلام ترک شهوت و خواهش‌های غیرمنطقی دل است. آنجا که می‌فرماید: «هرکس خواهش‌های نفسانی را فروگذارد، آزادمرد است»^۶.

کنترل خشم

در روایتی از امام صادق علیه السلام این‌گونه نقل شده که ایشان فرمودند: «هیچ بنده‌ای نیست که خشمی را فروخورد مگر آنکه خداوند عزوجل در دنیا و آخرت بر عزت او بیفزاید»^۷.

گذشت از خطا کار

چشم‌پوشی از خطای دیگران، در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و آثار زیادی بر آن مترتب است که از جمله آن‌ها دستیابی به عزت و سربلندی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عفو و گذشت داشته باشید، زیرا گذشت، جز عزت بر انسان نمی‌افزاید»^۸.

۱. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۶۲۸؛ ان ربکم یقول کل یوم: انا ربکم العزیز فمن اراد عز الدارین فلیطع العزیز.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۷، صفحه ۲۹۴؛ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

۳. تحف العقول، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴. خصال، محقق غفاری، ج ۲، ص ۴۲۰؛ اخْتَجِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ.

۵. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، ص ۳۶.

۶. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۹؛ مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا.

۷. کافی، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مَا مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۸. کافی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزُّكُمْ اللَّهُ.

موانع تحقق عزت

برخی از عواملی که در مسیر دستیابی به عزت به عنوان موانع در کمین انسان هستند عبارت‌اند از:

حرص و طمع

طمع به معنای کشیده شدن یا همان اشتیاق به چیزی از روی شهوت و میل شدید به آن است.^۱ ذکر این نکته نیز لازم است که طمع، مثل برخی دیگر از صفات انسان، جنبه مثبت و منفی دارد.^۲ لذا امام علی (ع) درباره تأثیر طمع و ورزی منفی در ایجاد ذلت فرمود: «طمع کاری، بندگی دائمی و همیشگی است».^۳ چرا که انسان طمع‌کار، دائماً خود را اسیر خواسته‌های منفی و نامعقول خود کرده و تمام عمر و زندگی خود را در راه رسیدن به امور کم‌ارزش سپری می‌کند.

دورویی و نفاق

یکی دیگر از صفاتی که در قرآن مجید نسبت به آن تذکر داده شده^۴، صفت نفاق و دورویی است که در آیات گوناگونی مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما طبق آیه ۱۳۹ سوره نساء، خداوند به آن دسته از افرادی که در بین مسلمانان زندگی می‌کند، ولی کافران را دوست دارند و با انجام برخی کارها مثل خبرچینی و تضعیف روحیه مسلمانان، به فکر عزیز شدن در نگاه کافران هستند، وعده عذاب داده و می‌فرماید: «مژده بده منافقین را به اینکه عذاب دردناک برایشان (مقرر) است. آنان که مؤمنان را ترک گفته و کافران را دوست گرفتند! آیا عزت را در پیش ایشان جستجو می‌کنند؛ پس همانا تمام عزت برای خداست».^۵ این موضوع در آیه ۲۸ سوره آل عمران^۶ نیز مطرح شده و خداوند مردم را از کفر این عمل زشت بازداشته است.

اختلاف، قهر و دعوا

به‌طور کلی در هر جامعه‌ای که به جای رفاقت، همدلی و صمیمیت، اختلاف و بگومگوریشه بدواند، آبادانی، عزت و شوکت، جای خود را به ویرانی، سستی و ذلت خواهد داد. خداوند در قرآن کریم به این بلای جامعه سوز اشاره کرده و می‌فرماید: «فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و راه نزاع و اختلاف را نپیمایید که سست شوید و شوکت و قدرت شما از بین برود و نسیم پیروزی بر شما نمی‌وزد و صبر کنید که همانا خدا با صابران است».^۷

همچنین امام علی (ع) درباره تأثیر اختلاف، قهر و دعوا بر ایجاد ذلت در امت‌های گذشته فرمود: «بنگرید که پایان کار برخی ملت‌ها به کجا کشید. چون میانشان جدایی افتاد و الفت به پراکندگی انجامید و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون گردید، از هم جدا شدند و به حزب‌ها گراییدند و خدا لباس کرامت خود را از تنشان برون آورد و نعمت فراخ خویش از دستشان به دور کرد و داستان آنان میان شما ماند و آن را برای پند گیرنده مایه عبرت قرارداد».^۸

۱. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۳۰۷ (الطمع نزوع النفس الى الشيء شهوة له).

۲. جنبه مثبت طمع در دعای ابو حمزه ثمالی: إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذَنْبِي فَرِزْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ عَفْوَكَ طَمِعْتُ؛ وقتی گناهانم را می‌بینم فرع می‌کنم و وقتی عفو تو را می‌نگرم، طمع می‌کنم.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۱؛ الطَّمْعُ رِقٌّ مُخَلَّدٌ.

۴. آیات سوره منافقون.

۵. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا.

۶. لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ.

۷. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.

۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

رفتار زشت

به عنوان آخرین مورد از عوامل ایجاد ذلت در این طرح درس، به موضوع تأثیر رفتارهای زشت و ناپسند، بر ایجاد ذلت در انسان اشاره می‌کنیم. امام علی علیه السلام در این باره فرمود: «از اخلاق پست دوری کنید، چرا که انسان بزرگوار را پست کرده و بزرگی و کرامت او را نابود می‌سازد^۱». به عنوان نمونه، تکبر یکی از همان رفتارهای زشت است که انسان را به خواری و ذلت دچار می‌کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر کس با مردم با تکبر برخورد کند، ذلیل می‌شود^۲».

پرسش‌های مرتبط

تفاوت تکبر و عزت در چیست؟ من چگونه می‌توانم عزت خود را حفظ کنم و در عین حال، متواضع باشم و هرگز علامتی از تکبر و غرور در من نباشد؟

تکبر حالتی است که انسان بر اثر خودپسندی، خود را برتر از دیگران بداند^۳، مانند خودبرتربینی شیطان نسبت به انسان که باعث اخراج وی از بهشت شد. در حالی که «عزت نفس» همان‌گونه که گفته شد به این معنا است که انسان آن قدر مقام خودش را محترم و عزیز بشمارد که حاضر به تن دادن به رفتارهای خداناپسندانه و زشت نباشد. از آن طرف، تواضع به عنوان نقطه مقابل تکبر و فخرفروشی^۴ بوده به معنای فروتنی^۵ است، به گونه‌ای که انسان خود را دارای امتیازات خاصی نسبت به دیگر انسان‌ها نداند و حتی آنان را بزرگ شمرده و به آن‌ها احترام بگذارد^۶، اما عزت نفس در مقابل سبکی و رذالت است.

تمرین‌های فکری و مهارتی

۱. از دانش آموزان خواسته شود عوامل عزت را در واقعه عاشورا تبیین کنند.
۲. از آن‌ها خواسته شود تا به حال چه اموری را به عنوان عوامل عزت آفرین تلقی می‌کردند و الآن نظر آن‌ها چیست؟
۳. درباره عوامل عزت آفرین از نظر دانش آموزان همچون مدگرایی بحث و نسبت به اصلاح باورها اقدام شود.

منابع مطالعاتی

۱. تهرانی، مجتبی، اخلاق الهی، فصل یازدهم: عزت نفس، ج ۶، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵
۲. عزت و ذلت از دیدگاه نهج البلاغه؛ محمدتقی فلسفی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.
۳. تهرانی، مجتبی، سلوک عاشورایی «منزل هفتم: عزت و ذلت»، تهران، مصابیح الهدی، ۱۳۹۳.
۴. محدثی، جواد، عزت و ذلت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳.
۵. کرمی، عباس، جلوه‌های عزت و آزادی در نهضت امام حسین علیه السلام، تهران، حاذق، ۱۳۹۰.
۶. کامرانیان، عباسعلی، نکته‌های قرآنی درباره ی عزیز و عزت، تهران، نور قرآن و اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۶.

۱. تحف العقول، ص ۲۱۵؛ إِيَّاكُمْ وَالْأَخْلَاقَ الدَّنِيَّةَ فَإِنَّهَا تَضَعُ الشَّرِيفَ وَتَهْدِمُ الْمَجْدَ.

۲. تحف العقول، ج ۱، ص ۹۲؛ مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ.

۳. مفردات، راغب اصفهانی، ص ۶۹۷، ذیل واژه کبر.

۴. اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۶۹.

۵. لغت نامه دهخدا، ج ۴، ص ۶۲۱۱، ذیل واژه تواضع.

۶. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۹۳.